

وابستگی معنایی باد و بوی در شعر فارسی^۱

جمشید گیوناشویلی (انستیتوی خاورشناسی تسرتلی دانشگاه ایلیا، تفلیس، گرجستان)

نماینده موفق و پُرکار مکتب توانمند ایران‌شناسی مسکو، محمد نوری عثمانف، پژوهشگر مسلّم متن‌شناسی، لغت‌شناسی و فرهنگ‌شناسی فارسی و تاریخ ادبیات کلاسیک فارسی، به‌ویژه شاهنامه فردوسی و رباعیات عمر خیام است. یکی از حوزه‌های تحقیقاتی عثمانف سبک‌شناسی نظم فارسی است. در اثر پرارزش سبک شعر فارسی در سده چهارم هجری (مسکو ۱۹۷۱) تلاش‌های چندین ساله محقق نتیجه‌گیری شده است. از لحاظ روش بررسی و تحلیل، این اثر وزین عثمانف جهت تألیف مقاله ارائه شده زمینه‌ساز بود.

در وهله اول چندین نمونه به‌عنوان پیش‌درآمد بحث آورده می‌شود:

هر باد که از سوی بخارا به من آید	با بوی گل و مشک و نسیم سمن آید
بر هر زن و هر مرد کجا بروزد آن باد	گوئی مگر آن باد همی از ختن آید
نی نی، ز ختن باد چنو خوش نوزد هیچ	کان باد همی از بر معشوق من آید

(رودکی)

هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد	چون دم عیسی در کالبدم جان آرد
----------------------------------	-------------------------------

(راوندی)

شب دراز به امید صبح بیدارم	مگر که بوی تو آرد نسیم اسحارم
----------------------------	-------------------------------

(سعدی)

۱. متن سخنرانی ارائه‌شده در همایش بین‌المللی «میراث ایرانی در قفقاز» در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۹۲ در دانشگاه دولتی داغستان به مناسبت نودمین سالگرد تولد محمد نوری عثمانف. مقاله پیش رو به کوشش هلن گیوناشویلی برای چاپ آماده شده است.

باد آرد بر من بوی تو ناگه ناگه کو گذر می کند از کوی تو ناگه ناگه

(کمال خجندی)

نسیم صبح برو بوی دلستان به من آور سلام من برسان و جواب آن به من آور

(سلمان ساوجی)

این گونه نمونه‌ها در گنجینه نظم فارسی بی شمار است. با بررسی انبوه این نمونه‌ها می توان نتیجه گیری کرد که وقتی منشأ و مبدأ بوی، پیام، نامه و غیره از مخاطب، کوی، مکان و غیره دور است، باد، نسیم، نسیمک و وظیفه رساندن بوی، پیام، نامه و غیره را ایفا می کند. این اصل پدیده سنتی جامع و خودویژه ای است که از نظم و قاعده مشخصی پیروی می کند و به عبارت دیگر و به قول دکتر اسلامی ندوشن، «باد عمارت کش بوی است». با وجود این، در منابع و مآخذ، بیت اول قصیده رودکی در ستایش امیر نصر سامانی و برانگیختن او به بازگشت به بخارا به صورت های گوناگونی مشاهده می شود:

(۱) باد جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی

(عبدالله شیرازی: تاریخ و صاف، حمدالله مستوفی: تاریخ گزیده، محمد آملی، رازی، خواندمیر:

حبیب السیر، به نقل از نفیسی ۱۳۴۱: ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۸۷، ۳۸۶)

در تاریخ و صاف:

باد مشک افشان آید همی بوی گل پیوند جان آید همی

... ۲۰ بیت ...

گر شنیدی رودکی، کی گفتی: باد جوی مولیان آید همی

(به نقل از نفیسی ۱۳۴۱: ۳۸۷)

(۲) بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی

(نظامی عروضی سمرقندی: چهارمقاله، دولت شاه سمرقندی: تذکره الشعراء، امیر شیرعلی خان لودی:

مرآة الخیال، محمدناظم تبریزی: نظم گزیده، به نقل از نفیسی ۱۳۴۱: ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۵، ۲۶۸)

بوی جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی

(آذر بیگدلی، آتشکده، به نقل از نفیسی ۱۳۴۱: ۲۶۸)

(۳) یاد جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی

(میرزا محمد ناصر طبیب دیلمی، به نقل از نفیسی ۱۳۴۱: ۲۷۵)

خسرو از مازندران آید همی یا مسیح از آسمان آید همی؟

بوی یار مهربان آید همی رنج غربت رفت و تیمار سفر
یاد جوی مولیان آید همی این از آن وزن است گفت رودکی

(سنائی غزنوی، به نقل از نفیسی ۱۳۴۱: ۳۸۵)

۴) بانگ جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی

مؤلف طبقات ناصری مرتکب اشتباهی فاحش شده و این بیت را به معزی در خطاب به سلطان سنجر نسبت داده است (منهاج سراج، به نقل از نفیسی ۱۳۴۱: ۳۸۲).

۱- مختصری درباره قصیده رودکی و «جوی مولیان»

نخستین کسی که ذکر از رودکی و «جوی مولیان» کرده نظامی عروضی سمرقندی در کتاب معروف چهار مقاله است که آن را تقریباً دوست و بیست سال پس از مرگ شاعر تألیف کرده است. حکایتی است درباره نصر بن احمد سامانی و سفر او به هرات. نصر بن احمد زمستان در بخارا به سر می برد و در بهار و تابستان به شهرهای دیگر سفر می کرد. یک سال نوبت هرات بود. در آن زمان، به قول نظامی عروضی، «جهان آباد و مُلک بی خصم و لشکر فرمانبردار و روزگار مساعد و موافق» و بالاخره امیر نصر چهار سال دور از بخارا به سر برد. همراهان امیر «ملول گشتند و آرزوی خانمان برخاست». «پس سران لشکر و مهتران مُلک به نزدیک استاد ابو عبدالله الرودکی رفتند. ... گفتند پنج هزار دینار تو را خدمت کنیم، اگر صنعتی بکنی که پادشاه از این خاک حرکت کند». رودکی قبول کرد و چون «نبض امیر بگرفته بود و مزاج او بشناخته» چنگ برگرفت و در پرده عشاق این قصیده آغاز کرد:

بوی جوی مولیان آید همی	یاد یار مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی راه او	زیر پایم پرنیان آید همی
آب جیحون از نشاط روی دوست	خنک ما را تا میان آید همی
ای بخارا، شاد باش و دیرزی	میرزی تو شادمان آید همی
میر ماه است و بخارا آسمان	ماه سوی آسمان آید همی
میر سرو است و بخارا بوستان	سرو سوی بوستان آید همی

امیر چنان منفعل گشت که از تخت فرود آمد و بی موزه پای در رکاب خنگ نوبتی آورد و رو به بخارا کرد (به نقل از نفیسی ۱۳۴۱: ۲۵۰-۲۵۱).

شاه اسماعیل سامانی در نزدیکی بخارا ضیائی با آب و هوای خوب خرید و در آنجا سرایها و بوستانها ساخت و بر موالیان، یعنی «غلامان آزادشده»، وقف کرد. عامه مردم آنجا را «جوی مولیان» می نامیدند (نفیسی ۱۳۴۱: ۳۷-۳۸)، نظیر «آب سردار» که نام محل یا

چهارراهی در تهران است (ریاحی ۱۳۷۵: ۴۹) و در گذشته مظهر قناتی بود در شمال خیابان عین‌الدوله (خیابان ایران) که «باغ سردار» را آبیاری می‌کرد. به‌هرحال، رودکی از خرمی و نزهت «جوی مولیان» در بخارا برای سرودن قصیده‌اش الهام گرفت و این با واقع‌گرایی در سبک شعر او تناسب دارد که در اشعارش فراوان به چشم می‌خورد، از جمله در نمونه‌های زیر:

۲- ملاحظاتی درباره واقع‌گرایی در اشعار رودکی

پوپک دیدم به حوالی سرخس بانگک بر برده به ابر اندرا
چادرکی دیدم رنگین بر او رنگ بسی گونه بر آن چادرا

در راه نشابور دهی دیدم بسی خوب انگشته او را نه عدد بود نه مره

مهر دیدم بامدادان چون بتافت از خراسان سوی خاور می‌شتافت

جوان بودم و پنبه فخمیدمی چو فخمیده شد دانه برچیدمی

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب با صد هزار نزهت و آرایش عجیب
یک چند روزگار جهان دردمند شد به شد که یافت بوی سمن باد ما طیب

هزار بوسه دهم بر سخای نامه تو اگر ببینم بر مهر او نگین تو را

لاله میان کشت بخندد همی ز دور چون پنجه عروس به حنا شده خضیب

خورشید را ز ابر دمد گاه‌گاه چونان حصاری که گذر دارد از رقیب

زلف تو را جیم که کرد، آن که او خال تو را نقطه آن جیم کرد
آن دهن تنگ تو گویی کسی دانگکی نار بدو نیم کرد.

بررسی اشعار فوق به مصداق مشت نمونه خروار است و زمینه قابل اعتمادی برای استنتاج فراهم می‌کند: تشبیهاتی که در شعر رودکی یافت می‌شود توصیفات دقیق، محسوس و زنده حاصل از تماس مستقیم با ادراک پدیده‌های طبیعت، تشخیص درجه رنگ‌ها و زیبایی‌های پیرامونش که ناگزیر تحرک و پیوند بیشتری با زندگی دارد، یکی از جنبه‌های واقع‌گرایی در شیوه بیان رودکی است (نقیسی ۱۳۴۱: ۴۰۵-۴۰۶؛ شفیع کدکنی ۱۳۷۲: ۲۵۴-۲۵۱؛ حجازی ۱۳۸۷: ۱۳۷؛ ۱۹۶-۱۹۷: ۱۹۷۶: Гиунашвили).

در چهار مقاله آمده است که رودکی در هرات، در محضر امیر و همراهانش در پرده عشاق به سمع آنها رساند که (با اینکه مسافت زیادی بین هرات و بخارا است) بوی یکی از توابع بخارا، جوی مولیان، «آید همی». در بیت اول این قصیده بوی جوی مولیان... اصل «باد عماری کش بوی است» رعایت نشده است، در صورتی که در این مورد «باد جوی مولیان» «معقول و طبیعی» (ریاحی ۱۳۷۵: ۴۸) است، ولی برای فارسی‌زبانان، قصیده «لطافت و روانی، و در همین حال جزالت و متانت خاصی دارد که با نداشتن معنی دقیق، گفتن مثل او دشوار یا ممتنع است» (فروزانفر: ج ۴/۱) و اصولاً «به گوش خوانندگان شنوندگان خوشایند است» (معین ۱۳۸۷: ۲۹۸). حافظ شیرازی «به جادوی طبع در آن تصرف کرد»:

خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی

با اینکه در این بیت «بوی جوی مولیان» آمده است، ولی اصل «باد عماره کش بوی است» کاملاً رعایت شده است. از آنجاکه مترجمان خارجی «لطافت و روانی» متن فارسی را نمی‌توانند چنان که باید و شاید حفظ کنند، در بعضی موارد واژه «بوی» را حذف می‌کنند. مثلاً ایران‌شناس مشهور انگلیسی، ادوارد براون این راه را اتخاذ کرده است (به نقل از معین ۱۳۸۷: ۳۵):

The Ju-yi-Mulīyān we call to mind...

در ترجمه روسی آثار منظوم رودکی که با همکاری و زیر نظر ایران‌شناسان شناخته شده روسی، براگینسکی و کومیساروف، انجام شده در صفحه ۱۰۸ «بوی جوی مولیان آید همی / ... آمده است و در صفحه ۱۰۹ **Ветер вѣя от Мульѣян к нам доходит**. به عبارت دیگر، مترجمان روسی واژه باد (**ветер**) را به متن ترجمه روسی اضافه کرده‌اند. در نتیجه، اصل «باد عماره کش بوی است» فقط در ترجمه روسی رعایت شده است (Рудаки ۱۹۶۴: ۱۰۸-۱۰۹).

در گنجینه کلان غنای معنوی فارسی، با اینکه در متن «باد جوی مولیان آید همی / ...» اصل «باد عماری کش بوی است» رعایت شده و در متن «بوی جوی مولیان آید همی / ...» این اصل رعایت نشده است، از لحاظ بسامد و حضور در منابع معتبر ادبی و تاریخی این دو متن هم‌سنگ‌اند.

قابل تصور نیست که امیرعلی شیر نوایی، مؤلف مجالس النفایس، یا عبدالرحمن جامی، مؤلف بهارستان، اطلاعی درباره «بوی جوی مولیان / ...» مندرج در «چهار مقاله نظامی عروضی نداشته باشند. همچنین بعید است تصور کنیم که امیر شیرعلی خان لودی، صاحب مرآة الخیال، یا لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، صاحب آتشکده، اطلاعی درباره «باد جوی مولیان» مندرج در بهارستان جامی نداشته‌اند. در محیط زندگانی و احوال و اشعار رودکی، (نفیسی ۱۳۴۱) که دائرةالمعارفی درباره سامانیان، خلاقیت رودکی و حیات ادبی - فرهنگی آن زمان است، اشاره‌ای به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز «بوی جوی مولیان» / «باد جوی مولیان» نشده است، در صورتی که خود استاد اصل «باد عماره کش بوی است» را رعایت می‌کند: سوی طهران چو گذر کردی ای باد سحر / روبه دانشگه و این نامه من آنجا بر

(Гиунашвили 1976: 118)

استاد فروزانفر نیز، که مظهر ذوق و لطف طبع و خداوند دقت و تحقیق بود، این بیت را طبق صورت مشهور نقل فرموده، و اگر تأمل و دقت می‌کرد، قطعاً به صورت صحیح بیت (باد جوی مولیان آید همی / بوی یار مهربان آید همی)، که در متون کهن هم نقل شده می‌رسید (ریاحی ۱۳۷۵، ص ۴۵).

چنین به نظر می‌رسد که یگانه نتیجه‌گیری منطقی پذیرفتن هر دو متن است:

۱) باد جوی مولیان آید همی بوی یار مهربان آید همی

۲) بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی

در جامعه فارسی‌زبانان هر دو متن دلچسب بوده و متانت و جزالت خاصی داشته و دارد.

منابع

حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۸۷)، «واقع‌گرایی در شعر رودکی»، فصلنامه پاژ، سال ۱، شماره ۲، تهران.
ریاحی، محمدامین (۱۳۷۵)، «باد جوی مولیان...»، حافظ‌شناسی، جلد ۱۴، به کوشش سعید نیاز کرمانی، تهران.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، صور خیال در شعر فارسی، تهران، آگاه.

فروزانفر، بدیع‌الزمان، سخن و سخنوران، جلد ۱، تهران.

- معین، محمد (۱۳۸۷)، «قصیده رودکی و استقبال گویندگان»، فصلنامه پاژ، سال ۱، شماره ۲، تهران.
نفیسی، سعید (۱۳۴۱)، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، تهران، امیرکبیر.
- Nizāmi ‘Arudi of Samarqandi (1921), *Chahār Maqāla*, Revised translation by E. G. Browne, London.
- Гиунашвили (1976), Людмила – Творческий путь Саида Нафиси, Тбилиси.
- Рудаки, Стихи. Составитель Д. С. Комиссаров, Перевод В.В. Левика и С.И. Липкина. Редактор И. С. Брагинский, Москва, 1964.